

## حوزه مسؤولیت نهادهای برنامه ریزی درسی در دانشگاه اصفهان

مهری ساکی<sup>۱</sup>

دکتر سید مصطفی شریف<sup>۲</sup>

### چکیده

خط مشی تمرکز زدایی در دانشگاه ها، مسؤولیت و اختیار بازنگری برنامه های درسی را به دانشگاه های دارای هیئت ممیزه واگذار نموده است. دانشگاه اصفهان در راستای این خط مشی اقداماتی انجام داده و در حال بازنگری برنامه های درسی خود است. این تحقیق، به منظور بررسی حوزه مسؤولیت نهادهای برنامه ریزی درسی در سطح گروه، دانشکده و ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی در دانشگاه اصفهان انجام گرفته و از نوع تحقیق توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری شامل ۴۵۴ نفر عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان بوده، که پس از تعیین حجم نمونه از طریق فرمول، ۹۰ نفر با روش طبقه ای متناسب با حجم به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده اند. ابزار گردآوری داده های پژوهش پرسشنامه محقق ساخته با روائی محتوا و ضریب پایایی ۰/۸۶ بوده است. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. یافته های تحقیق نشان داد که بازنگری سرفصل های درسی موجود با ۹۶/۷ درصد بازنگری واحدهای درسی و منابع تعیین شده و حذف و اضافه و جایگزین کردن واحدهای درسی با ۹۳/۳ درصد در حوزه مسؤولیت شورای برنامه ریزی درسی در سطح گروه قرار دارد. تبیین سیاستهای آموزشی در سطح دانشکده با ۸۳/۴ درصد در حوزه مسؤولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده قرار دارد. شناخت نیازهای جامعه با ۹۲/۲ درصد و ایجاد رشته های آموزشی جدید در دوره های تحصیلی با ۹۰ درصد در حوزه مسؤولیت ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی در سطح دانشگاه قرار دارد.  $t$  مشاهده شده در سطح  $P \leq 0.01$  معنادار بوده و مسؤولیت

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان

۲- استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

شوراهای برنامه ریزی درسی گروه و دانشکده و ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی در حوزه های تعریف شده در سطح زیاد می باشد.

**واژگان کلیدی:** تمرکز زدایی، حوزه مسئولیت، برنامه درسی، برنامه ریزی درسی، شورای گروه، شورای دانشکده، ستاد سیاست گذاری، آموزش عالی.

#### مقدمه

عصر ما، عصر تغییرهای سریع و گسترده است و توسعه نظام های اجتماعی در آن بر حرکت به سمت و سوی جامعه ای مبتنی بر دانایی دلالت دارد. عنوان جامعه دانایی محور در این ایده ریشه دارد که علم و فناوری نیروی حرکت بخش توسعه پایدار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در عصر حاضرند. از مهم ترین ویژگی های جامعه دانایی محور در حوزه آموزش عالی مشارکت پذیری افراد در برنامه های درسی حمایت کننده اقتصاد و جامعه مبتنی بر دانایی می باشد (ثورلیندسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). برخی از صاحب نظران در مقایسه جامعه های صنعتی با جامعه های دانایی محور، سیستم های آموزشی متمرکز را متعلق به عصر صنعتی و سیستم های غیرمتمرکز را از ویژگی های عصر دانایی می دانند (آبادسکو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در نظام های برنامه ریزی بحث درباره تصمیم گیری با چند موضوع آمیخته است. تصمیم گیری در کجا انجام می شود؟ چه کسانی در تصمیم گیری مشارکت می کنند؟ چه منابعی برای تصمیم گیری بکار می رود؟ و طی چه مراحل تصمیم گیری تحقق می یابد؟ نظام های برنامه ریزی درسی نیز مشمول همین حکم کلی اند و بر پایه نوع تصمیم گیری، از نظام های برنامه ریزی درسی متمرکز، نیمه متمرکز و غیرمتمرکز، یا از نظام های برنامه ریزی درسی ملی، استانی و مؤسسه محور سخن به میان آمده است.

در دنیای متحول امروز دانشگاه ها در زمره مهم ترین سازمان های اجتماعی محسوب می شوند و نقش مهمی در تحقق رشد و توسعه ملی ایفا می کنند. آنها باید هم خود منشأ تغییر، تحول، نوآوری و خلاقیت باشند و هم بتوانند پاسخ مطلوب به انتظارات گوناگون

1- Thorlindson

2- Abudesco

سایر بخش های جامعه بدهند. در چنین شرایطی دانشگاهها باید از قدرت و اختیار لازم و کافی برای اداره مؤثر و کارآمد خود برخوردار باشند. به بیان دیگر، تنها دانشگاههای خودگردان که توانایی لازم اداره امور خود را داشته و در زمان مناسب قادر به اخذ تصمیم باشند، می توانند همگام با مقتضیات زمان به طور فعال و پویا حرکت نمایند (رحمانی میاندهی و ناصر آبادی لواسانی، ۱۳۷۶). در جوامعی که اتخاذ تصمیم های مهم به شیوه ی مشورت و مفاهمه جمعی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، برنامه ریزی های متمرکز از بالا به پایین ناکارآمد می باشد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ دولت ها بخشی از تسلط و نظارت مستقیم خود را به دانشگاه ها، واگذار کرده و به تدریج بر روی مسائلی چون کارآیی بیشتر دانشگاه، دسترسی بیشتر دانشجویان به آموزش عالی، کیفیت فعالیت های آموزشی و پژوهشی و پاسخگو نمودن دانشگاهها متمرکز شده اند (کمرر و ویندهام<sup>۱</sup>)، ترجمه نفیسی، ۱۳۷۸). در گزارش توسعه انسانی در کشورهای عربی، به بعضی از عوامل بازدارنده کارکردهای نوین آموزش عالی اشاره شده است؛ فقدان استقلال دانشگاه ها و گروه های آموزشی در برنامه ریزی درسی، از جمله این عوامل اند (رافائلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

مک نی<sup>۳</sup> تغییر در فعالیت های آموزشی و پژوهشی در دانشگاه ها را با استفاده از الگوهای مشارکتی، دیوان سالاری، شرکتی و تجاری در دو حوزه سیاست گذاری و نظارت توصیف کرده است. در دانشگاه نوع اول، نظام سیاست گذاری و نظارت مشارکتی و تصمیم گیری مبتنی بر مشارکت و رضایت افراد است. در دانشگاه نوع دوم، تأکید بر مقررات، ثبات قوانین و تصمیم گیری مبتنی بر قانون است. دانشگاه نوع سوم، دانشگاهی مبتنی بر کنترل شدید بر خط مشی ها و اجراست. تأکید آن بر وفاداری اعضای سازمان به مدیریت عالی آن است. در دانشگاه نوع چهارم، تأکید بر صلاحیتها و جهت گیری آن به سوی دنیای خارج بوده و از روشهای آموزش مداوم در محیط پر تلاطم حمایت می کند. تصمیم گیری در آن انعطاف پذیر و بر پاسخگویی متخصصان حرفه ای تأکید دارد (رمزدن<sup>۴</sup>، ترجمه ی نوه ابراهیم و همکاران، ۱۳۸۰).

1- Kamrer & Windham  
3- McNey

2- Raphaeli  
4- Ramsden

بررسی تجارب کشورهای جهان در برنامه ریزی درسی نشان می دهد که در اکثر کشورها، با توجه به چالش های نظام آموزش عالی در دهه ی ۱۹۹۰، استراتژی های نوینی برای تغییر اتخاذ شده است. این تغییرات در کشورهایی با نظام متمرکز، در قالب تفویض اختیار و قدرت تصمیم گیری از طرف دولت به دانشگاهها و گرایش به سمت خودگردانی در مؤسسه های آموزش عالی، با حفظ نقش خودتنظیمی برای دانشگاه ها و نظارت برای دولت همراه بوده است. در کشور استرالیا، دانشگاه ها و دانشکده های خودگردان در زمینه دوره های تحصیلی و برنامه های درسی بطور مستقل عمل می نمایند. در هر دانشگاه کمیته ای مرکب از اعضای هیأت علمی ارشد، مسئولیت تهیه و تدوین برنامه های درسی هر رشته را به عهده دارند (فنگ و زئو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). در انگلستان، ایجاد هر دوره ی جدید آموزشی در دانشگاه باید به تصویب کمیته های دانشکده و دانشگاه برسد، سپس این دوره ها به طور مرتب توسط اعضای هیأت علمی در گروههای آموزشی، ارزیابی و بازنگری می شوند (آقازاده، ۱۳۶۹). در کشور اتریش مسئولیت برنامه ریزی درسی، با تأکید بر مشارکت استادان، دانشجویان و مدیریت به دانشگاه ها واگذار شده است (گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، ۱۳۷۷). در دانشگاه های کشور فنلاند برنامه های درسی هر رشته توسط شورای گروه تهیه و تدوین و برای تصویب به شورای دانشکده ها پیشنهاد می شود. گروه آموزشی واحد اصلی عملیات مربوط به آموزش و تحقیقات در یک یا چند رشته محسوب می گردد (کوئیکا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲).

در دانشگاههای کشور تایلند از سال ۱۹۹۲، در راستای پاسخگویی به تحولات علمی و تکنولوژیکی، اختیار تصویب برنامه های درسی به شورای دانشگاه واگذار شده است (سانیال<sup>۳</sup>، ترجمه ی حاتمی، ۱۳۷۷). در این کشور از تمرکز زدایی به منزله ابزاری برای ارتقای کیفیت نظام آموزشی در حوزه های گوناگون، از جمله برنامه ریزی های درسی استفاده شده است (آرفاتان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). در کشور مالزی بر متناسب نمودن برنامه های درسی و دوره های آموزشی دانشگاهی با نیازهای سریع و رو به تحول تأکید شده است (علی،

1- Fang & Zhao  
3- Sanyal

2- Kuikka  
4- Arphattan

ترجمه حاتمی، ۱۳۷۷). در کشور اندونزی از ۱۹۹۵ سیاست های جدیدی برای بهبود کیفیت و کارایی آموزش عالی به اجرا گذاشته شده است. سیاست های جدید، حرکت به سوی خودگردانی بیشتر دانشگاه ها و پاسخ گو نمودن آنها از طریق خود ارزیابی و اعتبار سنجی را در دستور کار قرار داده است. اجرای این سیاست های جدید نشان داده است که دانشگاه ها به گونه ای مشتاقانه از این سیاست ها استقبال کرده و تعداد بیشتری از اعضای هیأت علمی و گروههای آموزشی در تصمیم گیری های دانشگاه درگیر شده اند (سوهندرو<sup>۱</sup>، ترجمه ی نفرآبادی، ۱۳۷۷).

یکی از سیاست های استراتژیک در بخش آموزش عالی روزآمد کردن محتوای برنامه های درسی، با توجه به نیازهای متنوع و در حال تحول جامعه، بر خورداری دانشگاهها از اختیارات برنامه ریزی درسی، ایجاد تحول در شیوه ها و برنامه های آموزشی همراه با تأکید بر خلاقیت و نوآوری مهارت، کارآفرینی و گسترش فرهنگ خوداشتغالی است. تا سال ۱۳۷۹ برنامه های درسی توسط شورای عالی برنامه ریزی تدوین و برای اجرا به دانشگاهها ارسال می شد. دانشگاه ها و گروههای آموزشی آن اختیارات کمی برای ایجاد تغییر و تحول داشتند. برای تحقق صحیح برنامه ریزی درسی به شیوه غیرمتمرکز، می بایست با فراهم نمودن تمهیدات و امکانات و منابع لازم، اعضای هیأت علمی، متخصصان و صاحب نظران، در برنامه ریزی ها مشارکت فعال و پویا بنمایند (مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۷۷).

براساس مصوبه های آئین نامه مدیریتی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۰) یکی از وظایف گروه های آموزشی تا قبل از واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها، بررسی و اعلام نظر برای اصلاح سرفصل ها و تجدیدنظر در عنوان درسها و تعیین محتوای درسها با توجه به آخرین پیشرفتهای علمی برای تصویب در شورای عالی برنامه ریزی بود. از بین ۱۳۶ دانشگاه تنها ۳۵ دانشگاه مشمول مصوبه شورای عالی برنامه ریزی در خصوص واگذاری پاره ای از اختیارات شورا به دانشگاه ها بودند که از میان این ۳۵ دانشگاه تنها ۱۷ دانشگاه، یعنی ۴۹٪، از اختیارات قانونی جدید استفاده کردند

(اجتهادی، ۱۳۷۳). نقطه ضعف برنامه ریزی درسی موجود عدم مشارکت و اعمال نظر گروههای آموزشی دانشگاه ها (مجریان برنامه ها) در فرآیند برنامه ریزی درسی می باشد (گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، ۱۳۷۷). پژوهش تدین نجف آبادی (۱۳۷۴) نشان داد که از نظر مدیران گروههای آموزشی دانشگاه ها، حداقل دانشگاههای با سابقه در سطح کشور در زمینه ی ایجاد دوره های جدید، چگونگی ارائه برنامه های آموزشی و محتوا و سرفصل درس های دانشگاهی باید از اختیارات وسیع تری برخوردار باشند. پژوهش گودرزی (۱۳۷۵) نشان داد که اعضای هیأت علمی بر این اعتقاد بودند که نهادهای ارشد کشور باید سیاست های کلی و چارچوب های برنامه های آموزشی و درسی را ترسیم کنند و بعضی از وظایف اجرایی را به دانشگاه ها تفویض نمایند.

به دنبال ابلاغ آیین نامه واگذاری اختیار برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها (۱۳۷۹) حوزه معاونت آموزشی دانشگاه اصفهان اقدام به تشکیل ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی در سطح دانشگاه نموده و به دنبال آن شوراهای برنامه ریزی درسی در سطح دانشکده ها و گروههای آموزشی تشکیل شده است. شورای برنامه ریزی درسی گروه از اعضای هیأت علمی گروه تشکیل شده است. شورای برنامه ریزی درسی دانشکده از نمایندگان گروههای آموزشی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی و معاون آموزشی و یا رئیس دانشکده تشکیل شده است. ستاد برگزاری برنامه های درسی دانشگاه از نمایندگان دانشکده ها، مدیر کل امور آموزشی، مدیر تحصیلات تکمیلی، مدیر مطالعات و برنامه ریزی آموزشی و قائم مقام معاون آموزشی دانشگاه تشکیل شده است. شوراهای برنامه ریزی درسی گروههای آموزشی بازنگری و تدوین برنامه های درسی جدید را به عهده دارند. شوراهای برنامه ریزی درسی دانشکده ها هماهنگی برنامه ریزی ها در گروههای آموزشی و بررسی و تصویب برنامه درسی گروههای آموزشی را بر عهده دارند. ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی دانشگاه سیاست گذاری، هماهنگی برنامه ریزی درسی در سطح دانشگاه و تصویب برنامه های درسی دانشگاهی را بر عهده دارد. بازنگری و تدوین برنامه های درسی در شورای برنامه ریزی گروه انجام می شود. برنامه های درسی جدید توسط شورای برنامه ریزی درسی دانشکده بررسی، و در صورت نیاز، پس از

اصلاح تصویب می شود. این برنامه ها در ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی دانشگاه بررسی و در صورت نیاز به اصلاح، پس از انجام آن، به تصویب می رسد. برنامه های درسی مصوب ستاد سیاست گذاری، پس از تأیید شورای دانشگاه به مرحله اجرا در می آید.

با توجه به آئین نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاههای کشور و نیز فقدان تجربه و الگوهای سازمانی مناسب با برنامه ریزی درسی غیرمتمرکز در آموزش عالی و فراهم نمودن مقدمات موفقیت تجربه جدید، پژوهش حاضر به بررسی حوزه ی مسئولیت شوراهای برنامه ریزی درسی گروه، دانشکده و نهاد هدایت کننده ستاد سیاست گذاری در سطح دانشگاه اصفهان پرداخته است؛ این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ برای سؤال های زیر بوده است.

### سؤال های پژوهش

- ۱- حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی گروه در دانشگاه اصفهان چیست؟
- ۲- حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده در دانشگاه اصفهان چیست؟
- ۳- حوزه مسئولیت ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی در دانشگاه اصفهان چیست؟

### روش تحقیق

نوع تحقیق: نوع تحقیق توصیفی تحلیلی است.

جامعه و نمونه آماری: جامعه ی آماری پژوهش ۴۵۴ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان شامل ۲۵ استاد، ۴۸ دانشیار، ۱۷۶ استادیار، ۲۰۲ مربی و ۳ مربی آموزشیار می باشد. حجم نمونه با انجام یک مطالعه مقدماتی و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه، ۹۰ نفر برآورد شده است. از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم استفاده و از هر دانشکده به تناسب حجم اعضای هیأت علمی با توجه به متغیرهای دموگرافیک (مدرک تحصیلی، جنسیت و مرتبه علمی) به طور تصادفی نمونه گیری شده است.



جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب دانشکده

دانشکده	جامعه	نمونه	درصد	نمونه مطالعات مقدماتی
علوم	۱۳۳	۲۶	۲۸/۹	۷
ادبیات	۱۰۵	۲۳	۲۵/۵	۲
اقتصاد	۵۹	۱۲	۱۳/۴	۴
علوم تربیتی	۵۷	۱۱	۱۲/۳	۵
زبانهای خارجی	۵۱	۸	۸/۹	۴
مهندسی	۳۲	۶	۶/۶	۲
تربیت بدنی	۱۷	۴	۴/۴	۲
جمع کل	۴۵۴	۹۰	۱۰۰	۲۶

### ابزار پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده است. برای تدوین پرسشنامه علاوه بر استفاده از اسناد و مدارک و متون تخصصی از مصاحبه نیمه سازمان یافته استفاده شده است. ابتدا با تعداد ۲۸ نفر از صاحب نظران و نمایندگان برنامه ریزی درسی ستاد سیاست‌گذاری و معاونان آموزشی و مدیران گروه‌های آموزشی دانشکده‌ها مصاحبه حضوری به عمل آمد. براساس یافته‌های مصاحبه پرسشنامه مقدماتی تدوین و بین ۲۶ نفر از اعضای هیأت علمی توزیع گردید و پس از دریافت نظرها پرسشنامه نهایی با لحاظ نمودن بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های مدیریتی دانشگاه تدوین و تنظیم شد. پرسشنامه پژوهش دارای روایی محتوا است. برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> استفاده شده است. این ضریب ۰/۸۶ به دست آمده است.

### روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی در محیط نرم‌افزاری SPSS صورت گرفته است.

1- Cronbach's alpha coefficient



## یافته ها

### سؤال اول پژوهش

حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی گروه در دانشگاه اصفهان چیست؟

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال های مربوط به حوزه ی مسئولیت شورای

برنامه ریزی درسی گروه

میانگین وزنی	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	گویه	
۴/۶۳	۶۸	۱۶	۳	۱	۲	فراوانی	بازنگری واحدهای درسی
	۷۵/۶	۱۷/۸	۳/۴	۱/۱	۲/۲	درصد	
۴/۸۲	۷۸	۹	۲	۱		فراوانی	بازنگری سرفصل های موجود
	۸۶/۷	۱۰	۲/۲	۱/۱		درصد	
۴/۷۱	۷۲	۱۱	۶	۱		فراوانی	تعیین سرفصل های جدید
	۸۰	۱۲/۲	۶/۷	۱/۱		درصد	
۴/۶۷	۶۷	۱۷	۵	۱		فراوانی	بازنگری منابع تعیین شده
	۷۴/۴	۱۸/۹	۵/۶	۱/۱		درصد	
۴/۷۱	۷۱	۱۳	۵	۱		فراوانی	تعیین منابع جدید
	۷۸/۹	۱۴/۴	۵/۶	۱/۱		درصد	
۴/۴۷	۵۵	۲۶	۷	۱	۱	فراوانی	اضافه و جایگزین کردن واحدهای درسی
	۶۱/۱	۲۸/۹	۷/۸	۱/۱	۱/۱	درصد	
۴/۴	۵۵	۲۱	۱۱	۱	۲	فراوانی	تعیین نوع درس های (پایه، اصلی، تخصصی و اختیاری)
	۶۱/۱	۲۳/۳	۱۲/۲	۱/۱	۲/۲	درصد	
۴/۰۳	۴۴	۲۰	۱۶	۵	۵	فراوانی	تعیین ظرفیت دانشجو در رشته ها و دوره های تحصیلی
	۴۸/۹	۲۲/۲	۱۷/۸	۵/۶	۵/۶	درصد	
۴/۵	۵۲	۳۱	۷			فراوانی	تبادل تجربه و هماهنگی با گروه های آموزشی مشابه دانشگاه های معتبر داخل
	۵۷/۸	۳۴/۴	۷/۸			درصد	
۴/۲۷	۴۷	۲۷	۱۲	۲	۲	فراوانی	ارتباط شورای گروه با دانشگاه های ممتاز بین المللی
	۵۲/۲	۳۰	۱۳/۳	۲/۲	۲/۲	درصد	
۴/۲۰	۴۷	۲۵	۱۱	۳	۴	فراوانی	مشارکت فعال تر گروه های

آموزشی در طراحی و اجرای آزمون های تحصیلات تکمیلی	درصد	۴/۴	۳/۳	۱۲/۲	۲۷/۸	۵۲/۲
--	------	-----	-----	------	------	------

نتایج جدول (۲) حاکی است که از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان، هر یازده مورد پیش بینی شده، با میانگین وزنی ۴/۸۲ تا ۴/۰۳ در حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی گروه قرار می گیرد. حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی گروه به ترتیب «بازنگری سرفصل های موجود» با ۹۶/۷ درصد، بیش ترین و «تعیین ظرفیت دانشجو در رشته ها و دوره های تحصیلی» با ۷۱/۱ درصد کم ترین می باشد.

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین نمره سؤال پژوهشی ۱ با نمره ملاک

P	t	s	x
۰/۰۰۱	۲۶/۶۱	۰/۵۲۳	۴/۴۹

$$\mu H_2: \leq 3.$$

$$\mu H_1: > 3.$$

براساس نتایج جدول (۳) با توجه به این که t مشاهده شده در سطح  $P \leq 0/01$  معنی دار بوده است، بنابراین حوزه ی مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی گروه در موارد پیشنهادی، بازنگری واحدهای درسی، بازنگری سرفصل های موجود، تعیین سرفصل های جدید، بازنگری منابع، تعیین منابع جدید، حذف و اضافه و جایگزین کردن واحدهای درسی، تعیین نوع درس ها، تعیین ظرفیت دانشجو در رشته ها و دوره های تحصیلی، تبادل تجربه و هماهنگی با گروههای آموزشی مشابه دانشگاه ها، ارتباط شورای گروه با دانشگاه های ممتاز بین المللی و مشارکت فعال تر گروههای آموزشی در طراحی و اجرای آزمونهای تحصیلات تکمیلی در سطح زیاد می باشد.

سؤال دوم پژوهش

حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده در دانشگاه اصفهان چیست؟

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال های مربوط به حوزه ی

مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده

میانگین وزنی	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	گویه
۴/۲	۵۲	۲۳	۱۲	۲	۱	فراوانی بازنگری رشته های موجود دوره های تحصیلی
	۵۷/۸	۲۵/۶	۱۳/۳	۲/۲	۱/۱	درصد
۴/۳۶	۴۶	۲۳	۱۶	۴	۱	فراوانی تدوین آئین نامه ها و دستورالعملهای مربوط به واحدها و رشته های درسی
	۵۱/۱	۲۵/۶	۱۷/۸	۴/۴	۱/۱	درصد
۴/۲۱	۵۰	۲۵	۱۲	۳		فراوانی تبیین سیاست های آموزشی در سطح دانشکده
	۵۵/۶	۲۷/۸	۱۳/۳	۳/۳		درصد
۴/۳۵	۴۵	۲۹	۱۶			فراوانی تبادل تجربه و هماهنگی با دانشکده های مشابه دانشگاه های معتبر داخل
	۵۰	۳۲/۲	۱۷/۸			درصد
۴/۱۷	۴۶	۲۱	۲۰	۲	۱	فراوانی ارتباط شورای دانشکده با دانشگاه های ممتاز بین المللی
	۵۱/۱	۲۳/۳	۲۲/۲	۲/۲	۱/۱	درصد

نتایج جدول (۴) حاکی است که از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان، هر پنج مورد پیش بینی شده با میانگین وزنی ۴/۳۶ تا ۴/۱۷ در حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده قرار می گیرد. حوزه ی مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده به ترتیب «بازنگری رشته های موجود دوره های تحصیلی» و «تبیین سیاست های آموزشی در سطح دانشکده» با ۸۳/۴ درصد بیش ترین و «ارتباط شورای دانشکده با دانشگاه های ممتاز بین المللی» با ۷۴/۴ درصد کمترین می باشد.

جدول شماره ی ۵: مقایسه میانگین نمره سؤال پژوهشی ۲ با نمره ملاک

P	t	S	X
۰/۰۰۱	۱۷/۵۸	۰/۶۹۴	۴/۲۸

$$\mu H_5: \leq 3.$$

$$\mu H_1: > 3.$$

براساس نتایج جدول (۵) با توجه به این که  $t$  مشاهده شده در سطح  $P \leq 0.01$  معنی دار بوده است، بنابراین حوزه ی مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده در موارد پیشنهادی، بازنگری رشته های موجود دوره های تحصیلی، تدوین آئین نامه ها و دستورالعمل های مربوط به واحدها و رشته های درسی، تبیین سیاست های آموزشی در سطح دانشکده، تبادل تجربه و هماهنگی با دانشکده های مشابه دانشگاه ها و ارتباط با دانشگاه های ممتاز بین المللی در سطح زیاد می باشد.

سؤال سوم پژوهش

حوزه مسئولیت ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی دانشگاه اصفهان چیست؟

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال های مربوط به حوزه ی مسئولیت نهاد هدایت کننده ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی

میانگین وزنی	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	گویه
۴/۵۳	۶۷ ۷۴/۴	۱۱ ۱۲/۲	۷ ۷/۸	۳ ۳/۳	۲ ۲/۲	فراوانی درصد تعیین خط مشی های آموزشی دانشگاه در دوره های مختلف آموزشی
۴/۴۷	۵۷ ۶۳/۳	۲۴ ۲۶/۷	۶ ۶/۷	۱ ۱/۱	۲ ۲/۲	فراوانی درصد ایجاد رشته های آموزشی جدید در دوره های تحصیلی
۴/۴۳	۵۹ ۵۶/۶	۱۸ ۲۰	۸ ۸/۹	۳ ۳/۳	۲ ۲/۲	فراوانی درصد تدوین آئین نامه ها و دستورالعمل های آموزشی در سطح دانشگاه
۴/۴۱	۵۶ ۶۲/۲	۲۰ ۲۲/۲	۱۰ ۱۱/۱	۳ ۳/۴	۱ ۱/۱	فراوانی درصد ارائه رشته ها و سرفصل های تدوین شده در پایگاه اطلاع رسانی
۴/۴۶	۵۲ ۵۷/۸	۳۰ ۳۴/۴	۶ ۶/۷	۲ ۲/۲		فراوانی درصد تبادل تجربه و هماهنگی با دانشگاه های داخل
۴/۵۷	۶۵ ۷۲/۲	۱۶ ۱۷/۸	۶ ۶/۷	۲ ۲/۲	۱ ۱/۱	فراوانی درصد شناخت نیازهای جامعه (صنعتی)، کشاورزی، خدمات) براساس مزیت های منطقه ای
۴/۵۱	۵۷ ۶۳/۳	۲۳ ۲۵/۶	۹ ۱۰	۱ ۱/۱		فراوانی درصد ارتباط ستاد سیاست گذاری با دانشگاه های ممتاز بین المللی

نتایج جدول (۶) حاکی است که از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان، هر هفت مورد پیش بینی شده با میانگین وزنی ۴/۵۷ تا ۴/۴۱ در حوزه مسؤولیت ستاد سیاستگزاری برنامه های درسی دانشگاه قرار می گیرد. حوزه مسؤولیت ستاد سیاست گزاری برنامه های درسی به ترتیب «تبادل تجربه و هماهنگی با دانشگاه های داخل» با ۹۲/۲ درصد بیش ترین و «تدوین آئین نامه ها و دستورالعملهای آموزشی در سطح دانشگاه» با ۷۶/۶ درصد کم ترین است.

جدول شماره ۵: مقایسه میانگین نمره سؤال پژوهشی ۲ با نمره ملاک

P	t	S	X
۰/۰۰۱	۲۳/۰۳	۰/۶۱۲	۴/۴۸

$$\mu H_5: \leq 3.$$

$$\mu H_1: > 3.$$

براساس نتایج جدول (۷) با توجه به این که t مشاهده شده در سطح  $P \leq ۰/۰۱$  معنی دار بوده است، بنابراین حوزه ی مسؤولیت نهاد هدایت کننده ستاد سیاست گزاری در موارد پیشنهادی، تعیین خط مشی های آموزشی دانشگاه در دوره های مختلف آموزشی، ایجاد رشته های آموزشی جدید، تدوین آئین نامه ها و دستورالعمل های آموزشی، ارائه رشته ها و سرفصل ها در پایگاه های اطلاع رسانی، تبادل تجربه با سایر دانشگاه ها، شناخت نیازهای جامعه براساس مزیت های منطقه ای و برقراری ارتباط با دانشگاه های ممتاز بین المللی در سطح زیاد می باشد.

### بحث و نتیجه گیری

فراهم شدن امکان برنامه ریزی درسی غیرمتمرکز در سطح دانشگاه های کشور فرصت مغتنم و مبارکی است. دانشگاه ها می توانند از این فرصت فراهم شده استفاده مؤثر و کارآمد نموده و این تجربه تمرکز زدایی و خودگردانی را تجربه ای موفق و مثبت در تاریخ آموزش عالی کشور بنمایند. موفقیت این تجربه مستلزم اتخاذ رویکردی علمی و اصولی در مدیریت فرایند برنامه ریزی درسی می باشد.

نتایج حاکی از آن است که اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان، یازده مورد پیش بینی شده، بازنگری واحدهای درسی، بازنگری سرفصل های درسی، تعیین سرفصل های جدید، بازنگری منابع تعیین شده، تعیین منابع جدید، اضافه، حذف و جایگزین کردن واحدهای درسی، تعیین نوع درسها تعیین ظرفیت دانشجو در رشته ها و دوره های تحصیلی، تبادل تجربه و هماهنگی با گروههای آموزشی مشابه دانشگاه های معتبر داخل، ارتباط شورای گروه با دانشگاه های ممتاز بین المللی و مشارکت فعال تر گروههای آموزشی در طراحی و اجرای آزمون های تحصیلات تکمیلی، را با بیش ترین درصد (۹۶/۷) و کم ترین درصد (۷۱/۱) و میانگین وزنی ۴/۸۴ تا ۴/۰۳ مربوط و متعلق به حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی گروه می دانند (جدول ۲). اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان این موارد یازده گانه را در سطح زیاد در حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی گروه می دانند (جدول ۳) پیش نهاد کاربردی این پژوهش این است که دانشگاه اصفهان سیاستی اتخاذ نماید تا تصمیم گیری نهایی در این یازده مورد بر عهده شورای برنامه ریزی درسی گروه قرار گیرد تا از تداخل مسئولیت ها و تصمیم گیری ها در سطح ساختار برنامه ریزی درسی دانشگاه و اعمال نظر غیر تخصصی ارگان های بالادست جلوگیری شود.

نتایج پژوهش حاکی است که اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان، پنج مورد پیش بینی شده، بازنگری رشته های موجود دوره های تحصیلی، تدوین آیین نامه ها و دستورالعمل های مربوط به رشته ها و واحدهای درسی، تبیین سیاست های آموزشی در سطح دانشکده، تبادل تجربه و هماهنگی با دانشکده های مشابه دانشگاه های کشور، و ارتباط شورای دانشکده با دانشگاه های ممتاز بین المللی را با بیش ترین درصد (۸۳/۴) و کم ترین درصد (۷۴/۴) و میانگین وزنی ۴/۳۶ تا ۴/۱۷ مربوط و متعلق به حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده می دانند (جدول ۴). اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان موارد پنج گانه پیشنهادی را در سطح زیاد در حوزه مسئولیت شورای برنامه ریزی درسی دانشکده می دانند (جدول ۵) پیش نهاد کاربردی این پژوهش این است که شورای

برنامه ریزی درسی دانشکده تصمیم گیرنده نهایی در این پنج مورد و در انجام آنها از آزادی عمل و امکان اجرا برخوردار باشد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان، هفت مورد پیش بینی شده، تعیین خط مشی های آموزشی دانشگاه در دوره های مختلف آموزشی، ایجاد رشته های آموزشی جدید در دوره های تحصیلی، تدوین آئین نامه ها و دستورالعمل های آموزشی در سطح دانشگاه، ارائه رشته ها و سرفصل های تدوین شده در پایگاه های اطلاع رسانی، تبادل تجربه و هماهنگی با دانشگاه های داخل، شناخت نیازهای جامعه (صنعتی، کشاورزی و خدمات) براساس مزیت های نسبی منطقه ای و ارتباط ستاد سیاست گذاری با دانشگاه های ممتاز بین المللی، را با بیشترین درصد (۹۲/۲) و کم ترین درصد (۹۰) و میانگین وزنی ۴/۵۷ تا ۴/۴۱ مربوط و متعلق به حوزه مسئولیت ستاد سیاست گذاری می دانند (جدول ۶). اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان این موارد را در سطح زیاد در حوزه مسئولیت ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی دانشگاه اصفهان می دانند (جدول ۷). پیش نهاد کاربردی این پژوهش این است که ستاد سیاست گذاری برنامه های درسی دانشگاه اصفهان تصمیم گیری نهایی در این موارد هفت گانه را بر عهده داشته باشد.

برای حسن انجام فرایند برنامه ریزی درسی در دانشگاه و ایجاد فرصت عملیاتی شدن پیش نهاد های بالا، دو پیشنهاد کاربردی دیگر این پژوهش، تشکیل یک کمیته تخصصی از صاحب نظران حوزه برنامه ریزی و تدوین یک آیین نامه برنامه ریزی می باشد. تشکیل کمیته تخصصی این امکان را فراهم می نماید تا گروههای آموزشی بتوانند از خدمات مشورتی آن در تطبیق برنامه های درسی خود با نیازها و تقاضاهای منطقه ای، پاسخگوتر نمودن برنامه های درسی نسبت به انتظارات دانشجویان و کارفرمایان، جامعه محلی، استانی و ملی و نیز اعمال اصول علمی در تعریف دوره های آموزشی، تبیین هدف ها و تدوین محتوای برنامه های درسی، آموزش اثر بخش، نظارت، ارزیابی و تغییر برنامه های درسی استفاده نمایند. با تدوین آیین نامه برنامه ریزی می توان وظایف هر یک از اجزای ساختار برنامه ریزی درسی دانشگاه را در چارچوب موردهای پیش بینی شده تفکیک و روشن



نمود تا از تداخل مسئولیت ها و اختیارات و در نتیجه اشتباه کاری ها و دوباره کاری ها جلوگیری نمود. با این مهم می توان تجربه خودگردانی دانشگاه در حوزه برنامه ی درسی، به عنوان جوهره و قلب آموزش عالی را با موفقیت همراه ساخت.

### منابع

- آقازاده، ا. (۱۳۶۹). آموزش و پرورش در انگلستان و ویلز. تهران: انتشارات طوس.
- اجتهادی، م. (۱۳۷۷). بررسی توان دانشگاه ها در استفاده از مصوبه شورای عالی برنامه ریزی در خصوص واگذاری پاره ای از اختیارات شورا به دانشگاه ها، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ش ۱۷.
- تدین نجف آبادی، م. (۱۳۷۴). بررسی نگرش های مدیران گروه های آموزش فنی و مهندسی دانشگاه های شه تهران درباره ی چگونگی ایجاد و توسعه دوره های آموزشی در گروه فنی مهندسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- رحمانی میاندهی، غ و ناصر آبادی لواسانی، ز. (۱۳۷۶). خودگردانی دانشگاه ها در آینده، خلاصه مقالات، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی.
- رمزدن، پی. (۱۳۸۰). یادگیری رهبری در آموزش عالی، ترجمه عبدالرحیم نوه ابراهیم و همکاران، دامغان: دانشگاه علوم پایه.
- مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۷). سازمان برنامه و بودجه. تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ش ۱۲.
- سانپال، ب. سی. (۱۳۷۷). تحول در سیاست گذاری و اعمال مدیریت در آموزش عالی، ترجمه داوود حاتمی، تهران: علمی و فرهنگی.
- سوهندرو، ب. (۱۳۷۷). اطلاعات در سیاست های آموزش عالی اندونزی، ترجمه ی حسن نفرآبادی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ش ۱۵ و ۱۶.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۷۰). مصوبه های آئین نامه مدیریتی. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

علی، ا. (۱۳۷۷). اصلاحات اخیر در آموزش عالی کشور مالزی، ترجمه ی داوود حاتمی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ش ۱۵ و ۱۶.

کمر، اف. ویندهام، د. (۱۳۷۸). برنامه ریزی آموزشی مبتنی بر انگیزش، ترجمه ی عبدالحسین نفیسی، تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.

گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی. (۱۳۷۷). مقدمه ای بر تغییر ساختار فرآیند برنامه ریزی درسی در آموزش عالی کشور، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی؛ ش ۵.

گودرزی، م. (۱۳۷۵). بررسی مقایسه ای نظرات اعضای هیأت علمی درباره برنامه درسی رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی در دانشگاه های تهران و شهید بهشتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۷۹). آئین نامه ی واگذاری اختیارات برنامه های درسی به دانشگاه ها. حوزه معاونت آموزشی وزارتخانه.

- Abadesco, E. (2004). Training knowledge workers. Japan: Asian productivity Organization.
- Arphattan, T. (2006). Decentralization of education in Thailand: How were power, information, knowledge, and rewards devolved to the OESAs and how did the OESAs respond to the change? The University of Wisconsin- Madison.
- Fang, Y. & Zhao, S. (1997). Decentralization: China and Australia the waver. A Froumum for new Ideads in Education, Vol 1.
- Kuikka, M.T. (1992). Finland Encyclopedia Ndonah systems of Higher Education, Vol 1.
- Raphaeli, I. (2003). Sociey in Arab Naions: Arab Human Development Report. The Middle East Media Research Institute (MEMRI).
- Thorlindson, T. (2003). Introduction to the special issues: science, knowledge and society. London: S kandinavian Sociological Association & Sage publications.

